

ایران و ترکیه قدرت های منطقه ای و بازیگرانی جهانی

سرویس ایران/خبرگزاری آران
 خبرگزاری آران / سرویس ایران : یک کارشناس مسائل استراتژیک با اشاره به روابط ایران و ترکیه به عنوان دو بازیگر منطقه ای اظهار داشت: ترکیه و ایران تنها دو کشوری در خاورمیانه هستند که از لحاظ شان، تاریخ و فرهنگ، دو قدرت منطقه ای در حال ظهور هستند و حتی خود را فراتر از قدرت منطقه ای می دانند و ادعای بازیگری جهانی را دارند. کیهان بزرگ استاد دانشگاه، پژوهشگر ارشد و معاون امور بین الملل مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه همزمان با سفر وزیر امور خارجه ترکیه به ایران در گفتگو با خبرنگار سیاسی "ایرنا" با بیان این مطلب در ارزیابی روابط ایران و ترکیه تاکید کرد: نقش ایران و ترکیه بعد از حوادث 11 سپتامبر و سرنگونی رژیم بعثی در عراق و تغییر و تحولات منطقه تغییر کرده و به نفع هر دو کشور شده است. مقاله ای را در نیوزویک می خواندم که استدلال می کرد برنده واقعی جنگ های آمریکا در منطقه خاورمیانه ایران و ترکیه هستند و این طرز تفکر در جهان عرب هم به صورت جدی وجود دارد.

کشورهای عربی می دانند که ساختار سیاسی و استراتژی های ایران و ترکیه، این دو کشور را به اصلی ترین بازیگران منطقه خاورمیانه در سال های آتی تبدیل خواهد کرد. پژوهشگر ارشد موسسه مطالعات استراتژیک خاورمیانه با بیان اینکه با توجه به منابع و زمینه های قدرت ایران و ترکیه تردیدی در نقش آفرینی آنها در آینده خاورمیانه وجود ندارد، اظهار داشت: اما مساله ای که وجود دارد این است که نقش هایی که ایران و ترکیه در خاورمیانه ایفا می کنند به چه شکلی باید باشد؟ زیرا بحث جدیدی در حال شکل گیری است و استراتژیست های ترک هم در آن دستی دارند، مبنی براینکه این ترکیه است که برنده جنگ های آمریکا در خاورمیانه بوده است و نه اساسا ایران. وی اضافه کرد: این استراتژیست ها استدلال می کنند ترکیه نقش هایی را در منطقه خاورمیانه بازی می کند و استراتژی هایی را دنبال می کند که اهمیت استراتژیک این کشور را

روز به روز بیشتر می کند
 *** عثمانی گرای جدید سیاست خارجی جدیدی است که ترکیه دنبال می کند و تفکر آن مربوط به داوود اوغلوست
 کیهان بزرگ افزود: ترکیه یک سیاست خارجی جدیدی را در پیش گرفته است که اندیشه های آن مربوط به آقای داوود اوغلو وزیر امور خارجه این کشور است و به آن "عثمانی گرای جدید" می گویند.

وی با اشاره به سیاست خارجی جدید ترکیه تصریح کرد: حرف عثمانی گرای جدید این است که ترک ها دامنه نقش و نفوذ خود را در مناطقی که زمانی بخشی از امپراطوری عثمانی بود و این کشور دارای نقش بود، افزایش دهند البته نه مانند امپراطوری عثمانی که نقش خود را با افزایش ارضی بیشتر می کرد بلکه حرف آنها این است که ترکیه تنها کشوری در خاورمیانه است که می تواند با همه صحبت کند یعنی ترکیه تنها کشوری است که می تواند هم با آمریکا و هم با اسرائیل صحبت کند و در طرف مقابل قدرت های دیگر که منظور از آن ایران است نمی توانند با آمریکا و اسرائیل صحبت کنند.

پژوهشگر ارشد موسسه مطالعات استراتژیک خاورمیانه تاکید کرد: نقشی که ترکیه در حال حاضر دنبال آن است این است که در آینده، نفوذ استراتژیک خود را در منطقه خاورمیانه افزایش دهد و این افزایش نقش ترکیه به شرط آنکه استراتژی های مستقل داشته باشد، خوب است اما در انتهای این مساله این است که چارچوب نقش ترکیه باید مورد پذیرش غرب و اسرائیل باشد.

این استاد دانشگاه خاطرنشان ساخت: علیرغم تمام سرو صداهایی که در مورد سیاست خارجی جدید ترکیه و نگاه به جهان اسلام توسط دولت اردوغان و داوود اوغلو وجود دارد اما ترک ها هنوز در میان خود بحث سکولاریسم و اسلام گرایی را به صورت جدی دارند. باید توجه داشت که قشر عظیمی از نیروهای داخلی در ترکیه اعتقاد دارند که دولت فعلی این کشور نماینده آرمان های آتاترک نیست و در حال فاصله گرفتن از این آرمان هاست.

این کارشناس مسائل استراتژیک اضافه کرد: در وزارت امور خارجه ترکیه بروکراسی سکولاریسم مساله ای نهادینه شده است و اگر شما به آنکارا هم تشریف ببرید خواهید دید که مثلا پرچم ترکیه در همه جا دیده می شود و به این شهر، شهر آتاترک و به شهر استانبول شهر اسلام گراها گفته می شود. استانبول شهری است که دولت فعلی ترکیه بیشتر می تواند در آنجا نقش بازی کند.

وی در ادامه با تاکید بر چالش ترکیه در آشتی میان سکولاریسم و اسلام گرایی گفت: همچنان در ترکیه میان اسلام گرایی و سکولاریسم اختلاف وجود دارد. البته این خیلی خوب است که دولت اسلام گرا در حال بخشیدن هویت جدیدی به ترکیه جدید است و نگاه خود را به خاورمیانه گسترش می دهد و این مساله از لحاظ استراتژیک به ترکیه نقش و اعتبار جهانی بخشیده است.

کیهان بزرگ تصریح کرد: وقتی در سال های گذشته با استراتژیست های ترکیه ای که هم اکنون از مشاوران آقای داوود اوغلو هستند بحث می کردیم، یکی از سوالات آنها این بود که ایران چگونه ترکیه ای را می پسندد؟ و ما هم پاسخ می دادیم که ترکیه ای که دارای استراتژی مستقل باشد و به جای اینکه خود را به اتحادیه اروپایی وصل کند، مقداری وزن خود را در منطقه افزایش دهد و آنگاه نقش دهی خود را در مسائلی افزایش دهد که دست آمریکایی ها و اروپایی ها به آن نمی رسد و آن هم مسائل خاورمیانه است. این استاد دانشگاه اظهار داشت: به نظر من ایران و ترکیه تنها دو کشوری هستند که نقش آنها در خاورمیانه می تواند همدیگر را تکمیل کند. شما هیچ دو قدرت دیگری را سراغ ندارید که با هم مشترک باشند. ترکیه با اسرائیل از لحاظ استراتژی های مستقل یکی نیست، تل آویو به آمریکا وصل است و استراتژی های نظامی آن را در منطقه حمایت می کند و اساسا این حمایت آمریکاست که اسرائیل را نگاه می دارد. عربستان سعودی استراتژی اش به گونه ای است که چتر امنیتی آمریکا برای آن مهم است و به همان اندازه نیز حضور آمریکا در منطقه خاورمیانه.

وی افزود: ترکیه و ایران دو کشوری هستند که مخالف حضور آمریکا در منطقه خاورمیانه می باشند اما در این مساله باز هم نقش ایران و ترکیه متفاوت است. ترکیه مجبور است در چارچوب استراتژی های آمریکا و ناتو کار کند زیرا اساس هویت ترکیه جدید آن است، اما ترکیه سعی دارد تا استراتژی خود را مستقل کند. به همین دلیل است که وقتی آقای اردوغان به ایران سفر می کند، به آمریکا نیز سفر می کند تا به آنها اطمینان دهد که ترک ها از اندیشه های سکولاریستی خود چندان هم فاصله نگرفته اند. ترکیه اگر می خواهد که نقش آن پذیرفته شود حتما باید رضایت آمریکا را هم جلب کند.

پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه با اشاره به تفاوت هویتی ایران و ترکیه تاکید کرد: ماهیت و نقش جمهوری اسلامی ایران با ترکیه متفاوت است. اهمیت نقش استراتژیک ایران اساسا در مخالفت با آمریکا و حضور این کشور در خاورمیانه است و همین مساله به ایران یک ارزش استراتژیک خاص بخشیده است. وی در نتیجه گیری خود از ارزیابی نقش ایران و ترکیه در سال های اخیر گفت: ایران و ترکیه در خاورمیانه بعد از 11 سپتامبر و سقوط دولت صدام حسین در عراق و در خاورمیانه بعد از شکست جنگ های منطقه ای، دو قدرت نوظهور منطقه ای هستند که تکمیل نقش های آنها می تواند در جهت ثبات و امنیت خاورمیانه باشد ولی اشتباه است که غربی ها تصور کنند می توانند تنها از طریق ترکیه به راه حل های منطقه ای برای بحران های خاورمیانه برسند و حتما باید جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک بازیگر مستقل و دارای استراتژی هایی که برای گروه های مانند حماس، حزب الله و گروه های شیعی در عراق جذاب است و کلید حل مسائل هم بدست آنهاست، وارد شود. این استاد دانشگاه گفت: این اشتباه است که غربی ها و آمریکایی ها تصور کنند تنها با نقش دادن به ترکیه می توانند به راه حل های دایمی برای خاورمیانه برسند. افزایش

اطمینان از حل و فصل مسائل خاورمیانه حتما نیاز به حضور ایران دارد. بدون حضور ایران و ترکیه هیچ کدام از مسائل منطقه خاورمیانه نمی تواند به راحتی حل و فصل شود. *** ترکیه به عنوان یک بازیگر منطقه ای مجبور بود تا اختلافات تاریخی خود را با ارمنستان کنار بگذارد.

برزگر در پاسخ به سوالی در رابطه با دلایل ترکیه برای کنار گذاشتن اختلافات خود با ارمنستان و توافق تاریخی با این کشور حتی به صورت نمادین و افزایش نفوذ این کشور در منطقه قفقاز گفت: این مساله هم بخشی از سیاست خارجی جدید ترکیه است. سیاست خارجی جدید ترکیه چند اصل دارد که یکی از آنها این است که باید برخی از اختلافات تاریخی و فرهنگی این کشور با بعضی از گروه های قومی در منطقه حل و فصل شود. دولت اسلام گرای ترکیه نه تنها با ارمنی ها بلکه سیاست جدیدی را نیز در مقابل کردها در پیش گرفته است.

این کارشناس مسائل استراتژیک اظهار داشت: ترکیه می خواهد بگوید که من نگاه فرهنگی در جذب اقلیت ها دارم. این مساله در مورد ارمنی ها هم صادق است. ترکیه به عنوان یک بازیگر منطقه ای مجبور است تا بسیاری از اختلافات قدیمی خود را حل و فصل کند تا بتواند نقش خود را به عنوان یک بازیگر میانجی به جامعه بین المللی نشان دهد. پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه تصریح کرد: البته باید یک نکته را یادآور شوم و آن این است که ترک ها سال ها پشت درهای اتحادیه اروپا ماندند و به نوعی التماس کردند تا آنها را به عضویت بپذیرند. اتحادیه اروپا این مساله را نپذیرفت. این اتحادیه دو گروه دارد یکی انگلیسی ها و بلژیکی ها که می گویند اگر ترک ها بیایند خوب است و یک اسلام مدرن در شرق اروپا می تواند جلوی افراط گرایی را بگیرد اما جناح فرانسوی و اطریشی اساسا مخالف حضور ترک ها هستند و شخص آقای سارکوزی کسی است که با حضور ترک ها در اتحادیه اروپایی بارها مخالفت کرده است و نخبگان ترکیه عملا یک تحقیر تاریخی را در نپذیرفتن درخواست آنها برای عضویت در اتحادیه اروپا دیده اند. وی اضافه کرد: به همین دلیل است که دولت اسلام گرا در ترکیه سیاست خود را تغییر داده است و به جای التماس به اروپایی ها، بدنبال افزایش نقش و موقعیت سیاسی و اقتصادی خود در مناطقی که برای اتحادیه اروپایی حائز اهمیت است مانند خاور نزدیک، فلسطین، لبنان، سوریه و قفقاز است. زیرا این مناطق پل ارتباطی با اروپا هستند و به امنیت و انرژی وصل می شوند. ترک ها این قبیل اقدامات را انجام می دهند تا اتحادیه اروپایی خود به خود به سمت آنها بیاید. کاری که نخبگان گذشته ترکیه نتوانستند انجام دهند، نخبگان جدید با یک تغییر استراتژی بدنبال آن هستند.

کیهان برزگر تصریح کرد: در همین چارچوب است که ترکیه سعی کرد تا اختلافات تاریخی خود را با ارمنستان حل و فصل کند و آقای اردوغان به ایروان سفر کرد و سعی کردند تا مقامات ارمنی را به ترکیه بیاورند و تبادلات اقتصادی و تجاری دو کشور را افزایش دهند. این بخشی از استراتژی ترکیه برای افزایش نقش استراتژیک خود به عنوان یک بازیگر مهم منطقه ای در قفقاز است. باید توجه داشت که بعد از لابی یهودی ها، ارمنی ها دومین لابی مهم در جهان هستند و طبیعتا ترک ها باید برای پیشبرد اهداف خود با آنها کنار می آمدند.

این استاد دانشگاه خاطرنشان کرد: ارمنی ها در فرانسه تاثیر گذار هستند و همواره تصویر بدی را از ترک ها در جهان ارائه کرده اند و به همین دلیل توافق تاریخی این دو کشور می تواند در بهبود شرایط برای ترک ها موثر باشد و راه آنها را در بسیاری از مسائل هموارتر کند و بنابراین این مساله هم بخشی از تفکر جدید در ترکیه است.

*** سیاست خارجی جدید ترک ها ارتباطی با سیاست خاورمیانه بزرگ آمریکا ندارد پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه در پاسخ به سوالی در رابطه با اینکه آیا سیاست خاورمیانه بزرگی که آمریکا در زمان بوش بدنبال آن بود، آیا تاثیری بر سیاست عثمانی گرای جدید ترکیه داشته است یا نه؟ اظهار داشت: موضوع خاورمیانه بزرگ سیاستی بود که در میان سالهای 2002 تا 2004 در سیاست خارجی آمریکا ریشه پیدا کرد. آمریکا زمانی که جنگ عراق را آغاز کرد توجه اش این بود که صدام حسین فردی بسیار خطرناک برای امنیت جهانی است و اگر تسلیحات شیمیایی خود را در اختیار بن لادن و القاعده قرار بدهد، امنیت جهانی را به خطر می اندازد. این بدان معنا بود که امنیت جهان را به بحث تروریسم وصل کرد.

وی افزود: اما بعدها مشخص شد که آمریکایی ها دنیا را فریب داده اند و گزارشاتی منتشر شد که براساس آنها صدام حسین در زمان قبل از حمله آمریکا اصلا سلاح شیمیایی در اختیار نداشته است و سیا در گزارشات خود در قبل از جنگ دست برده بوده است. صدام حسین نیز اساسا اعتقادی به القاعده نداشت زیرا وی فردی بعثی بود و اعتقادی به نیروهای افراطی مانند القاعده نداشت، یعنی پایه تفکری صدام با القاعده متفاوت بود.

کیهان برزگر خاطرنشان ساخت: آمریکایی ها اعلام کردند حالا که ما تسلیحات شیمیایی را در عراق پیدا نکرده ایم، در عوض باید دموکراسی را در این کشور پیاده کنیم و این دموکراسی است که مهم است. بعد از این مساله بود که طرح خاورمیانه بزرگ پیش آمد. با اینکه اعلام شد این طرح برای ایجاد دموکراسی و مبارزه با فقر و بیکاری و غیره است اما خود آمریکایی ها هم می گویند که این طرح برای مبارزه با تروریست پروری خاورمیانه بود.

این کارشناس مسائل استراتژیک اظهار داشت: طرح خاورمیانه بزرگ شکست خورد زیرا وقتی آمریکایی ها وارد عراق شدند متوجه شدند دموکراسی که آنها بدنبال ایجاد آن هستند، یک شبه به وجود نمی آید و ماهیت قدرت و سیاست در خاورمیانه اینگونه نیست که تفکر لیبرال دموکراسی غربی را بتوان یک شبه در عراق پیاده کرد. بنابراین آمریکایی ها به این نتیجه رسیدند که آنچه که برای عراق مهم است امنیت است و به همین دلیل هم از حکومت نوری مالکی حمایت کردند تا این حکومت بتواند امنیت را برقرار کند و شعارهای دموکراتیک کنار گذاشته شد.

کیهان برزگر تاکید کرد: سیاست خارجی جدید ترکیه ارتباط چندانی با سیاست خاورمیانه بزرگی که آمریکایی ها بدنبال آن بودند، ندارد. اساسا سیاست خاورمیانه بزرگ آمریکایی ها برای کشورهای عربی و بی تفاوتی آنها در برابر تروریسم بود زیرا آمریکایی ها اعلام می کردند که این تروریسم است که امنیت آنها را به خطر انداخته است اما باید گفت ترکیه در بازسازی بسیاری از جنبه های طرح خاورمیانه بزرگ از همان زمان تاثیر جدی داشت.

وی افزود: به هر حال ترکیه مدعی است که در جهان اسلام یک نمونه موفق از دموکراسی را به پیش می برد. ترک ها دولت قوی، ملت قوی و یک نمونه موفق از دموکراسی را دارند. ترک ها به این دلیل از طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا حمایت کردند که تشکیل دولت های قوی در خاورمیانه می توانست به نفع آنها نیز باشد. آنها می خواستند دارای نقش پیش قدمی در این زمینه برای خاورمیانه داشته باشند.

پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه اظهار داشت: وضعیت ترکیه از لحاظ دموکراسی با کشورهای عربی منطقه، متفاوت است. دموکراسی در مصر به معنای روی کار آمدن اخوان المسلمین است، در اردن به معنای روی کار آمدن نیروهای افراطی است، در عربستان به معنای روی کار آمدن نیروهای میانه روست و به نوعی برای تمامی دولت های عربی دموکراسی مساله ای خطرناک است. این مساله بدان معنا نیست که آنها با دموکراسی مخالفند بلکه بدین معناست که دموکراسی که یک شبه بخواهد شکل بگیرد، باعث سرنگونی حکومت های آنها خواهد شد.

این کارشناس مسائل بین المللی خاطرنشان ساخت: ترکیه برخلاف حکومت های محافظه کار عرب متحد آمریکا در خاورمیانه که اجازه ندادند طرح خاورمیانه بزرگ ادامه پیدا کند، از این طرح استقبال کرد زیرا می توانست خود را به صورت یک کشور پیشرو نشان دهد. سیاست خارجی ترکیه نیز بر سه اصل استوار است.

کیهان برزگر با بیان اینکه برخی از استراتژیست های ترکیه ای صحبت از قدرت نرم این کشور می کنند، گفت: اولین اصل سیاست خارجی ترکیه این است که مدرنیزاسیون این کشور مورد تأیید و قبول کشورهای اسلامی است. دومین مساله این است که سیاست خارجی فعال ترک ها به معنای تلاش این کشور برای حل بحران های منطقه ای مورد تأیید و قبول احزاب، گروه ها و کشورهای منطقه است به طور مثال حزب الله لبنان نیز نقش آفرینی ترکیه را به عنوان یک بازیگر بی طرف پذیرفته است. سومین اصل نیز این است که سیاست خارجی ترکیه اساسا بر میانجی گری شکل گرفته است. ترک ها تلاش دارند تا در این زمینه از ائتلاف ها و اتحادها خود را دور نگاه دارند.

این استاد دانشگاه تصریح کرد: ترک ها می خواهند بگویند که چارچوب نقش آنها در بی طرفی است و این همان مساله ای است که مورد تأیید قدرت های بزرگ مثل آمریکا است.

در اینجا پر رنگ بودن نقش ترکیه در چارچوب جامعه بین المللی خیلی زیاد است و تفکر جدید در سیاست خارجی ترکیه نیز بر همین اساس استوار است. وی با بیان اینکه خاورمیانه برای آمریکایی ها چهار بلوک متفاوت است، تاکید کرد: برای آمریکایی ها ترک ها در شمال خاورمیانه هستند، اسرائیلی ها در غرب خاورمیانه هستند و منافع و خواسته های آنها را تامین می کنند، عربستان در جنوب خاورمیانه قرار دارد که منابع انرژی دنیا را تامین می کند و جمهوری اسلامی ایران نیز در شرق خاورمیانه بازیگری است که استراتژی های خود را دارد و این چهار بازیگر دارای منافع متفاوتی هستند.

این کارشناس مسائل بین الملل با بیان اینکه آمریکایی ها متوجه شده اند که ترکیه و اسرائیل نمی توانند منافع آنها را تامین کنند، خاطرنشان ساخت: آمریکایی ها متوجه شده اند که بازیگران دیگری نیز در خاورمیانه حضور دارند که باید نقش آنها را ببینند و این مساله در استراتژی های آقای اوباما نیز وجود دارد. همین مساله نیز می تواند این استراتژی اوباما را به ارتباط با ایران وصل کند و می تواند باعث گفتگوهایی میان ایران و آمریکا شود.

این کارشناس مسائل استراتژیک افزود: چالش اصلی که از نظر آمریکایی ها مانع از برقراری رابطه با ایران می شود نیز این است که چگونه آمریکا می تواند ایران را وارد خاورمیانه ای کند که سه بازیگر دیگر در آن با دشمن هستند و یا رقیب. در اینجا قطعاً جمهوری اسلامی ایران و عربستان به لحاظ تاریخی به یکدیگر نزدیک نمی شوند زیرا هرکدام دیدگاه های مختلفی از نظر ایدئولوژی، منبع تهدیدات امنیتی، درجه حضور بیگانگان در منطقه و غیره دارند. ایران و اسرائیل نیز نمی توانند به یکدیگر نزدیک شوند زیرا از لحاظ ایدئولوژیک و استراتژیک با یکدیگر مشکل دارند. در خاورمیانه تنها ایران و ترکیه می مانند و علیرغم رقابت، نقش آنها می تواند تکمیل کننده نقش یکدیگر باشد. پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه اظهار داشت: اگر ایران و ترکیه به خوبی از انرژی یکدیگر استفاده کنند می توانند نقش های سازنده ای ایفا کنند و این مساله می تواند باعث ثبات و امنیت بیشتری برای خاورمیانه شود.

*** دولت اسلام گرای ترکیه قابل اعتماد است اما سکولارها و بروکرات های ترکیه موضع مبهمی در مورد برنامه های هسته ای و موشکی ایران دارند کیهان بزرگ در پاسخ به این سوال که با توجه به تلاش های ترکیه برای میانجیگری در مورد موضوع هسته ای ایران و اینکه آیا اصولاً پذیرش این مساله برای ایران در این موضوع استراتژیک به نفع تهران است و یا نه؟، گفت: این سوالی کلیدی و بسیار مهم است. تصور می کنم که ایران باید در این رابطه مواظب باشد. ایران و ترکیه در بسیاری از مسائل مانند امنیت و انرژی، مبارزه با افراط گرایی، حل و فصل بحران های منطقه ای و غیره اشتراک نظر دارند. این دو کشور در رابطه با اینکه منطقه کردستان عراق چه وضعیتی داشته باشد یا مسائل مربوط به ضرورت حفظ یکپارچگی عراق، دیدگاه های بسیار نزدیکی به یکدیگر دارند.

این کارشناس مسائل بین المللی با بیان اینکه ایران تولید کننده و ترکیه ترانزیت کننده هستند، تاکید کرد: در رابطه با برنامه هسته ای به نظر من شرایط متفاوت است. برنامه هسته ای مساله ای استراتژیک است و این مساله باعث شده تا ایران در جامعه بین المللی دارای ارزش استراتژیک شود. تاکید ایران بر دستیابی بر چرخه مستقل سوخت هسته ای قدرت چانه زنی ایران را در مورد مسائل بین المللی افزایش داده است و ایران نمی بایست هیچ گاه این کارت را ارزان بفروشد. پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه تصریح کرد: خوشبختانه جمهوری اسلامی ایران نیز این مساله را نپذیرفت و پاسخ ایران به موضوع مبادله سوخت هسته ای به گونه دیگری بود. اما اینکه اگر این میانجی گری صورت می گرفت به نفع ایران بود یا نه؟ باید بگویم که ایران باید در این رابطه محتاط باشد. اگرچه ترکیه کشوری همسایه و اسلامی است و سرنوشت ما از قرن های گذشته به یکدیگر پیوسته است اما ترکیه همچنان بین اصل سکولاریسم و اسلام گرایی در چالش است و تنها زمان مشخص خواهد کرد که ترکیه به کدام سو بیشتر گرایش خواهد داشت.

وی با اشاره به ساختار وزارت امور خارجه ترکیه افزود: اگرچه دولت اسلام گرای کنونی در ترکیه مواضع دوستانه ای دارد و برنامه های صلح آمیز ایران مورد پذیرش ترکیه است و حتی آنکارا پذیرفت تا اورانیوم کم غنی شده ایران برای مبادله با غرب به آنجا برود اما بروکرات های وزارت امور خارجه ترکیه کسانی هستند که خط سکولاریسم و روابط نزدیک با غرب را به عنوان اولویت روابط خارجی دنبال می کنند. این افراد اعتقاد دارند دولت جدید در ترکیه در حال وارد کردن اندیشه هایی به سیاست خارجی این کشور است که با اندیشه های سکولاریسم هماهنگ نیست.

این کارشناس مسائل استراتژیک اظهار داشت: ارتشی ها و بروکرات های وزارت امور خارجه ترکیه اعتقاد دارند ترکیه باید به اتحادیه اروپا و غرب نزدیک شود و مواضع مبهمی را در مورد برنامه های هسته ای و موشکی ایران دارند و این مساله را بارها روشنفرکان و نخبگانی که از این گروه حمایت می کنند، اعلام کرده اند. خوشبختانه نخبگان حاکم در ترکیه چنین دیدگاهی ندارند.

این کارشناس مسائل بین المللی اضافه کرد: جمهوری اسلامی ایران باید محتاط باشد زیرا دیدگاه نخبگان اسلام گرا و سیاست خارجی جدید این کشور هنوز بطور کامل در دستگاه دیپلماسی ترکیه نهادینه نشده است و لذا امکان دارد که مواضع ترکیه به همان مواضع مبهم بروکرات های وزارت خارجه نزدیک شود. ترکیه بخشی از ناتوست البته این مساله خوب است و می تواند ایران و برخی از بازیگران را به یکدیگر نزدیک کند.

کیهان بزرگ با اشاره به تلاش های اتحادیه اروپایی برای نقش آفرینی در موضوع هسته ای ایران خاطرنشان ساخت: اما آیا این درست است که بزرگترین کارت استراتژیک خودمان را در اختیار ترکیه قرار بدهیم و به ترک ها همان نقشی را بدهیم که اتحادیه اروپا سالهاست که نتوانسته است تا از آن بهره برداری کند؟ در حال حاضر ترک ها می توانند بگویند کارتی را که اتحادیه اروپا و یا حتی آمریکا نتوانست تا با آن بازی کند، من الان می توانم با آن بازی می کنم.

این کارشناس مسائل استراتژیک تاکید کرد: اگر ترکیه بتواند میانجی گری را به نفع منافع ایران انجام دهد یعنی همان حفظ چرخه مستقل سوخت هسته ای و محکم ایستادن بر روی حق مشروع ایران در غنی سازی، می تواند این نقش را ایفا کند اما اگر بخواهد در چارچوب منافع غرب این کار را انجام دهد زیرا اساساً در همان چارچوب است که غرب نقش ترکیه را می پذیرد، باید خیلی مواظب باشیم، زیرا ورود ترکیه به یک موضوع بسیار استراتژیک ملی از نظر آینده نقش دو طرف در منطقه خاورمیانه می تواند نقش استراتژیک ترک ها را نزد قدرت های بزرگ افزایش دهد و به همان میزان نقش ایران را کاهش دهد.

این استاد دانشگاه تصریح کرد: اگر ایران می خواهد وارد معاملات استراتژیک شود باید از بزرگترین کارت خود که همان برنامه های هسته ای اش است، استفاده کند تا به جای استفاده از نقش روسیه، چین، اتحادیه اروپا و ترکیه خود وارد گفتگو با آمریکا شود زیرا تمامی این کشورها میانجی هستند و همه می دانیم که میانجی ها به هر حال بدنبال منافع خواهند بود.

وی تاکید کرد: جمهوری اسلامی ایران باید از این کارت در یک رود رویی مستقیم با آمریکا استفاده کند تا اهمیت چانه زنی ایران افزایش پیدا کند و بنابراین من اعتقاد دارم ترکیه نمی تواند در چارچوب منافع ایران در حفظ چرخه مستقل سوخت هسته ای عمل کند و خوشبختانه نیز این مساله اتفاق نیفتاد ولی به هر حال اعتقاد دارم در این بحث ما باید محتاط باشیم و جنبه های استراتژیک مسئله را هم مد نظر قرار دهیم. این مسئله وقتی بیشتر اهمیت می یابد که هم ایران و هم ترکیه ادعای بازیگری منطقه ای و جهانی دارند.

*** ایران هسته ای باعث برهم خوردن موازنه قدرت در خاورمیانه خواهد شد این کارشناس مسائل استراتژیک در پاسخ به این سوال که چرا ترکیه قرارداد ساخت نیروگاه های هسته ای خود را به جای غرب که متحد استراتژیک آنهاست با روسیه به امضا رسانده است و بدنبال استفاده از انرژی هسته ای است، اظهار داشت: یک استدلالی در میان نخبگان ترک، عربستانی و حتی اردنی، سوری و مصری وجود دارد که اگر ایران هسته ای شود، توازن قدرت در خاورمیانه به هم خواهد خورد و ما نیز باید به سمت هسته ای شدن پیش برویم تا توازن قوا را در منطقه حفظ کنیم. این استاد دانشگاه با بیان اینکه اساساً هسته ای شدن ایران توازن قدرت را در خاورمیانه برهم خواهد زد، تصریح کرد: اسرائیلی ها مدعی هستند که ایران برای آنها یک "تهدید وجودی" است. البته این بحثی بوده است که آنها از 3 یا 4 سال پیش مطرح کرده اند و آن را وصل می کنند به مسائل نامربوط و مدعی اند که اگر ایران مسلح به تسلیحات هسته

ای شود، اسرائیل را از بین خواهد برد ولی آنها در این زمینه بسیار اغراق می کنند و دلیل آن نیز این است که اگر ایران یک کشور دارنده فن آوری صلح آمیز هسته ای شود، توازن قدرت را در منطقه به نفع ایران و به ضرر آمریکا و اسرائیل برهم خواهد زد.

این پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه اضافه کرد: به همین دلیل است که آمریکایی ها برای خودشان خط قرمز تعیین کرده اند و می گویند ایران نباید در این زمینه جلو برود و ما باید جلوی آن را بگیریم. گذشته از مسائل نظامی و فن آوری، تصور کنید که هسته ای شدن ایران در منطقه چه تاثیری از لحاظ توازن قدرت در منطقه خواهد داشت؟ یک مثال این است که اگر ایران هسته ای شود، عربستان سعودی باید از میان ایران و با اسرائیل کدام یک را انتخاب کند؟ آیا باید با ایران ائتلاف کند یا با اسرائیل کنار بیاید؟ و اگر ترکیه هسته ای شود، عربستان از میان ایران و ترکیه کدام یک را انتخاب خواهد کرد؟

وی تصریح کرد: علیرغم بی اعتمادی تاریخی بین ترک ها و اعراب، بدلیل خنجری که به اعتقاد ترک ها، اعراب در اواخر دوران امپراطوری عثمانی به آنها زده اند، ترکیه و عربستان سعودی به سمت یکدیگر خواهند رفت و مطمئن باشید در مورد ایران و اسرائیل، علیرغم نهادینه بودن مخالفت های مردمی در جهان عرب با اسرائیل، رژیم های عربی به سمت رژیم اسرائیل خواهند رفت تا ایران. علیرغم اینکه مردم عرب با اسرائیل مخالف هستند اما دولت های عربی بدلیل وابستگی به چتر امنیتی که به آمریکا دارند، در خط این کشور باقی خواهند ماند و براساس این مساله است که عربستان و ترکیه استدلال می کنند که اگر ایران هسته ای شود تعادل در منطقه خاورمیانه برهم خواهد خورد.

این کارشناس مسائل بین المللی خاطرنشان ساخت: استراتژی آمریکایی ها از 50 سال پیش به این طرف " تضمین جریان آزاد نفت" در خاورمیانه بوده است. مساله ای که آنها می گویند این است که اگر توازن قدرت در منطقه به نفع ایران برهم بخورد، جمهوری اسلامی می تواند دیدگاه های خود را بر جریان آزاد و قیمت نفت دیکته کند و این منافع آمریکا را به خطر می اندازد و ما باید توازن فعلی را حفظ کنیم و نگذاریم که ایران به آن سمت برود زیرا در غیر این صورت منافع ما با دوستانمان در منطقه مانند ترکیه، عربستان و اسرائیل به هم می خورد.

کیهان بزرگ در ادامه با بیان تلاش های برخی کشورها در منطقه برای ساخت نیروگاه های هسته ای با کمک غربی ها گفت: این مساله ای که این کشورها نیز بدنبال هسته ای شدن هستند، خطی است که آمریکایی ها به آنها می دهند و حتی فرانسوی ها می آیند و با کشوری مانند امارات متحده عربی قرارداد ساخت نیروگاه هسته ای امضا می کنند. این مساله برای غربی ها خوب است چرا که با بزرگ نگاه داشتن تهدید ایران برای این کشورها، علاوه بر فروش تکنولوژی، مستشاران خود را نیز به منطقه گسیل می کنند و تسلیحات را می فروشند و منافع آمریکا نیز در این جریان است.

وی اضافه کرد: پذیرش ایران هسته ای از سوی آمریکایی ها اجتناب ناپذیر خواهد بود ولی آمریکایی ها کاری را که خانم کلینتون اعلام کرد، انجام می دهند و با این کشورها قرارداد های نظامی-امنیتی می بندند. آنها می دانند که با هسته ای شدن ایران دنیا که به آخر نخواهد رسید و این مساله ای است که آقای کیسینجر و بسیاری از استراتژیست های آمریکایی هم گفته اند و این مساله یعنی وابستگی، منافع و فروش تسلیحات بیشتر آمریکا به این کشورها.

این استاد دانشگاه با بیان اینکه آمریکایی ها از فرصت های تاریخی برای نهادینه کردن نقش خود به خوبی استفاده کرده اند، اظهار داشت: بعد از 11 سپتامبر آمریکایی ها به افغانستان و عراق لشکر کشیدند، ناتو را به سمت شرق آوردند و اتحادیه های جدید منطقه ای شکل دادند، مساله هسته ای ایران نیز به آنها این فرصت را می دهد تا این تکنولوژی وابسته را در اختیار ترک ها و عربستانی ها بگذارند ولی مسلمانان آنها نخواهند گذاشت که ترک ها و یا اعراب راهی را بروند که ایران در مسیر هسته ای شدن خود پیموده یعنی اتخاذ استراتژی مستقل تولید سوخت هسته ای.

پژوهشگر ارشد موسسه مطالعات استراتژیک خاورمیانه گفت: هر کشور اتمی در بازار اتمی شدن آخرین کشور خواهد بود. پاکستانی ها وقتی که بمب هسته ای خود را منفجر کردند، گفتند تمام شد. بین تکنولوژی اتمی و تسلیحات اتمی فاصله کمی است ولی این مساله نیز خود بازدارندگی به وجود می آورد و منطق آن درست است. توانایی صلح آمیز هسته ای داشتن ایران خود به نوعی بازدارندگی است و این مساله برای کلاس قدرت ملی، منطقه ای و جهانی ایران بسیار مناسب است و غربی ها هم می دانند که این تکنولوژی یک بازدارنده جدی است.

این کارشناس مسائل استراتژیک تاکید کرد: جمهوری اسلامی ایران نیز در نهایت با باشگاه هسته ای قبل از خود همکاری خواهد کرد زیرا خود را به عنوان آخرین قدرت هسته ای در نظر می گیرد و این ماهیت برنامه های هسته ای است.

وی در مورد نزدیکی ترک ها به روس ها در موضوع هسته ای نیز تصریح کرد: این مساله نیز بخشی از استراتژی جدید ترک هاست. علیرغم اینکه خط انتقال گاز ناباکو رقیبی برای شرکت هایی مانند گازپروم است اما ترک ها بلاخره پذیرفته اند که روس ها نیز بخشی از آن باشند همان طور که پذیرفتند ایران بخشی از آن باشد. براساس استراتژی جدید ترکیه نزدیکی به روسیه در دستور کار قرار گرفته است و این همان تقویت نگاه به شرق در سیاست خارجی ترکیه است.

پژوهشگر ارشد موسسه مطالعات استراتژیک خاورمیانه اظهار داشت: ترک ها نه تنها با روس ها بلکه با چینی ها و کره ای ها نیز روابط نزدیکی پیدا کرده اند و بنابراین به شرق، جنوب، و شمال خود نیز به جزء غرب توجه دارند. ترکیه از طریق ایران با کشورهای خلیج فارس ارتباط نزدیکی دارد و همین طور مبادلات گسترده ای را با عربستان سعودی و عراق دارد. اخیرا نیز صحبت از مشارکت گاز مناطق شمالی عراق در خط ناباکو شده است. اینها تمام بخشی از آن طرح های جاه طلبانه و بزرگ ترک ها برای تبدیل شدن به یک بازیگر جهانی است.

کیهان بزرگ اضافه کرد: البته ترک ها شان تبدیل شدن به یک بازیگر منطقه ای و جهانی را دارند. ایران هم دارای این شان هستند. ترک ها در استفاده از ژئوپلیتیک و نفوذ سیاسی و امنیتی خودشان مثل حضور در خاورمیانه و نزدیکی به قدرت های بزرگ به خوبی استفاده می کنند. بنحو یکه حتی ترک ها می خواهند در یک مساله استراتژیکی مانند موضوع هسته ای میانجی میان ایران و آمریکا شوند.

این کارشناس مسائل بین المللی با اشاره به اعتماد مقامات کشورمان به رهبران ترکیه خاطرنشان ساخت: در میان کشورهای منطقه، قابل اعتماد ترین بازیگر برای ما ترکیه است. به طور کلی ایرانی ها و ترک ها اساسا شان یکدیگر را می دانند و به آن احترام می گذارند. ایران و ترکیه بارها با یکدیگر جنگ و گرفتاری داشته اند اما همیشه به هم احترام گذاشته اند.

وی تصریح کرد: روسیه هم می تواند به ایران و ترکیه بپیوندد و مثلث ایران، ترکیه و روسیه شکل بگیرد. هر سه کشور در طول دوپست سال گذشته با یکدیگر جنگ های خونینی داشته اند و خاک همدیگر را اشغال کرده اند اما شان یکدیگر را نیز در نظر گرفته اند و به هم احترام گذاشته اند.

کیهان بزرگ با اشاره به بی اعتمادی تاریخی که میان سیاسیون ایرانی نسبت به روس ها وجود دارد، گفت: باید توجه داشت که روسیه در جهان دارای وزن استراتژیک است. استفاده از نقش روسیه در بازی های استراتژیک به شرطی که در چارچوب منافع ملی مدیریت شود می تواند به نفع ایران باشد و دارای منطق است ولی از لحاظ تاریخی ما بدرستی نسبت به روس ها بی اعتماد هستیم. اما در مورد ترکیه وضع متفاوت است یعنی هم ما اعتماد داریم و هم ترکیه در غرب از وزن خوبی برخوردار است.

*** استفاده از ظرفیت های ترکیه در جهان اسلام رویکرد جدید سیاست خارجی ترکیه است/ ترکیه تنها از طریق اتصال با مسایل ایران اهمیت منطقه ای و جهانی می یابد

پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه در پاسخ به این سوال که آیا سیاست های انتقادی اخیر ترکیه در مورد رژیم صهیونیستی یک رویکرد جدید در سیاست خارجی ترکیه است و یا اینکه آنکارا تنها بدنبال استفاده از ظرفیت های بالقوه خود در جهان اسلام است، تاکید کرد: به نظر من این یک رویکرد جدید در سیاست خارجی دولت اسلام گرا در ترکیه است. دولت اسلام گرا به هر حال استراتژی های خود را نه در خلا بلکه بر اساس واقعیت های موجود شکل می دهد.

این کارشناس مسائل استراتژیک تصریح کرد: دولت اسلام گرا در ترکیه هم به این خاطر که طرفداران خود را در خیابان های ترکیه حفظ کند و هم به این دلیل که دل مردم را در

خیابان های عرب به دست بیاورد و دل مردم را در خیابان های کشورهای غیر عربی مانند ایران به سمت خود جذب کند، این رویکرد را اتخاذ کرده است و دلیل آن هم این است که با این اقدامات ترکیه برای خود ژست یک کشور دارای استراتژی های مستقل می گیرد.

این استاد دانشگاه اظهار داشت: این یک راهبرد ترکیه، جدید و درست است. پیش از این ترک ها خیلی نشان داده بودند که به غرب وابسته هستند و خیلی راحت به اسرائیلی ها امتیاز می دادند ولی در قبال این امتیازات هیچ چیز جدیدی را به دست نیاورده بودند ولی از زمانی که رویکرد خود را در قبال اسرائیل عوض کردند در حال به دست آوردن امتیازات جدیدی هستند. ترک ها از آن زمان فرصت ها و پتانسیل های جدیدی را با نقش خود به دست آورده اند.

وی اضافه کرد: ترک ها در حال حاضر از ژئوپلیتیک خود، بیشترین استفاده را از لحاظ امنیت انرژی می برند. آنها نه تنها رابطه نزدیکی با جمهوری اسلامی دارند بلکه به عراقی ها نیز در حال نزدیک شدن هستند و در لبنان، حزب الله، ترکیه را به عنوان یکی از میانجی های بی طرف در روند صلح اعراب و اسرائیل پذیرفته است.

کیهان بزرگ با اشاره به رویکرد جدید در سیاست خارجی ترکیه اظهار داشت: ترک ها به این نتیجه رسیده اند که برای رسیدن به اهداف خود باید استراتژی خود را تغییر دهند. این به معنای آن نیست که اهداف عالی خود مانند پیوستن به اتحادیه اروپایی را کنار بگذارند زیرا این مساله برای آنها یک اصل مهم است، اسلام گراها نیز این مساله را می دانند و یکی از چالش های آنها ایجاد تعادل میان این دو اصل است.

این کارشناس مسائل بین المللی خاطرنشان کرد: اگر شما به صحبت های اردوغان و داوود اوغلو در زمانی که با انتقادهای سکولارهای ترکیه روبه رو می شوند، توجه کنید، می بینید که آنها می گویند پیوستن به اتحادیه اروپا همچنان برای ما یک آرزوست ولی مناطق مهم دیگری نیز وجود دارند که ما از لحاظ هویتی با آنها در ارتباط هستیم و با نزدیکی به ایران ما می توانیم اروپا را به خلیج فارس که منبع انرژی و قدرت مالی جهان است، وصل کنیم.

پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه با اشاره تفکرات وزیر امور خارجه ترکیه تصریح کرد: آقای داوود اوغلو اعتقاد دارد اتحادیه اروپا بدون ترکیه یک بازیگر قدیمی و منفعل باقی خواهد ماند و این حرف به معنای آن است که این ترکیه است که می تواند اروپا را در ارتباط با شرق فعال نگاه دارد و بدون ترکیه اتحادیه اروپا منطقه ای محصور است ولی با وجود ترکیه، انرژی و خون شرق از طریق خلیج فارس وارد رگ های اروپا می شود و نقش اتحادیه اروپا در معادلات جهانی افزایش پیدا می کند.

وی تاکید کرد: این استراتژی جدید ترک هاست که در آن تا به حال موفق بوده اند و به صورت جدی دنبال تداوم این سیاست هستند. ورود اسلام گرایی هویت و انرژی این رویکرد جدید ترک هاست. توجه داشته باشید که این رویکرد تنها هدف ترکیه نیست و این رویکرد یک ایدئولوژی نیز دارد و آن هویت اسلامی این استراتژی است که تاحال از آن استفاده نکرده اند ولی در حال حاضر به خوبی از این پتانسیل استفاده می کنند.

این استاد دانشگاه با اشاره به استراتژی های جمهوری اسلامی ایران گفت: جمهوری اسلامی ایران هم استراتژی و هم ایدئولوژی دارد. ایدئولوژی ایران برای بعضی از احزاب، گروه ها و کشورهای منطقه جذاب است و با وجود این ایدئولوژی است که اینها به هم وصل می شوند و توان بازیگری و نقش آفرینی ایران را افزایش می دهد. همچنین ایران دارای یک ژئوپلیتیک حساس و مهم است که مراکز مهم سیاسی-امنیتی، توسعه و انرژی دنیا از آسیای جنوبی تا خلیج فارس و خزر، آسیای مرکزی و قفقاز، و نهایتاً عراق و سوریه و لبنان و فلسطین در خاور نزدیک را بهم وصل می کند.

کیهان بزرگ تصریح کرد: استراتژی که در دل خود هم دارای اهداف بلندمدت باشد و هم هویت و ایدئولوژی داشته باشد، می تواند موفق شود. ترکیه نیز هم ایدئولوژی دارد و هم استراتژی که ترکیب آن برای خیلی ها جذاب است و ترک ها در حال استفاده از چنین فرصتی هستند. اما اهمیت نقش ترکیه نیز به نوعی از طریق اتصال به مسائل ایران است که در منطقه و جهان افزایش می یابد.

*** افغانستان، آغاز سیاست های جدید منطقه ای ترکیه بود

پژوهشگر مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه در پاسخ به اینکه چرا ترک ها دنبال نقش آفرینی در افغانستان هستند و پیش از اجلاس لندن و مسکو و بعد از اجلاس سه جانبه ایران، افغانستان و پاکستان، اجلاس استانبول را برگزار کردند، گفت: این مساله بخشی از سیاست منطقه ای ترک هاست. ترکیه به عنوان بخشی از ناتو متعهد به تامین و حمایت از نیروهای ناتو است و ترک ها از همان ابتدای اشغال افغانستان نقش مهمی در تامین نیروهای ایساف داشتند و سیاست جدید منطقه ای ترکیه از همان زمان اشغال افغانستان آغاز شد.

این کارشناس مسائل بین المللی با اشاره به رسانه های ترکیه اظهار داشت: اگر شما در سال های اخیر نگاهی به ژورنال های ترکیه داشته باشید، می بینید که پر از مقالاتی در مورد افغانستان است زیرا آنها می خواهند به سیاست های جدید منطقه ای خود حمایت تئوریک بدهند. چهار یا پنج سال پیش اساساً کنفرانسی در آنکارا و یا استانبول برگزار نمی شد ولی در حال حاضر سالانه ده یا بیست کنفرانس در استانبول برگزار می شود و این به معنای حمایت تئوریک نخبگان دانشگاهی از سیاست های دولت ترکیه است.

وی اضافه کرد: افغانستان شروع حمایت از سیاست های منطقه ای جدید ترکیه در غالب ناتو، ایساف و غیره بود. ترکیه هرگاه فرصتی پیدا کند می خواهد نقش فعالی ایفا کرده تا به جامعه بین المللی نشان دهد که بازیگری سازنده است. ترک ها می خواهند بگویند با هیچ کدام از گروه ها ائتلاف نمی کنند و در چارچوب جامعه بین المللی رفتار می کنند و این ماهیت نقش آنهاست. افغانستان هم به بحث خاورمیانه وصل است و مسائل خاورمیانه نیز پیچیدگی های خاص خود را دارد.